



Research Article

Taiwan's Position in the Relations Between China and the United States of America: Geopolitics or Geoeconomics?

Morteza Esmacili^{1*}, Ehsan Yari², Fatemeh Naghi Beyranvand³

1. Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran
2. Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran
3. M.A in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

Article history:

Received: 21/12/2024

Accepted: 19/06/2025

Abstract

Introduction

Taiwan, due to its strategic geopolitical and geoeconomic position, has played a prominent role in the relations between the People's Republic of China and the United States since the end of the Cold War. The island occupies a critical position in vital regional trade routes, particularly the Taiwan Strait. It has become one of the world's major economic hubs due to its industrial and technological advancements, especially in semiconductor production and other high-tech sectors. This significance arises from Taiwan's decisive role in global supply chains, where the dependence of developed countries, particularly the United States, on its products and technologies profoundly influences the economic and security policies of major powers. This study aims to analyse Taiwan's geopolitical and

Please cite this article as:

Esmacili, M., Yari, E., Naghi Beyranvand, F. (2025). Taiwan's Position in the Relations Between China and the United States of America: Geopolitics or Geoeconomics. *Journal of Asian Regional Orders Studies*, 2(2) 221-260. <https://doi.org/10.22099/JAROS.2025.51983.1021>

* Corresponding author: E-mail address: esmacili2017@shirazu.ac.ir



Copyright: © 2025 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

geoeconomic position in the relations between China and the United States, and to examine the impact of the island's technological and commercial dependencies on regional and global competition.

Methods

This study employs a descriptive-analytical approach. Data were collected from reliable secondary sources, including international reports, trade statistics, industrial company reports, and academic publications. The analysis focuses on trends in exports and imports, foreign direct investment (FDI), and the production capacities of key industries, including semiconductors and advanced technologies. In addition, Taiwan's economic relations with China and the United States were examined in terms of mutual dependencies, geopolitical implications, and geoeconomic outcomes to provide a comprehensive understanding of regional and global economic and security interactions.

Results and Discussion

The findings indicate that Taiwan holds an irreplaceable position in the production of advanced semiconductors, accounting for more than half of global contract chip manufacturing capacity. These semiconductors are essential for the information technology, automotive, medical equipment, and defence industries of developed countries, particularly the United States. Global reliance on Taiwanese production makes the island highly sensitive to political, economic, and military disruptions, with any tension or crisis potentially producing extensive economic consequences worldwide. Economic relations between China and Taiwan reveal that, despite deep political differences, both countries are highly interdependent in trade and investment; China is Taiwan's largest trading partner, absorbing a substantial portion of the island's semiconductor and electronics exports, while Taiwan relies on China for raw materials and industrial equipment. Similarly, Taiwan's economic relations with the United States are significant; the island serves as a primary supplier of semiconductors and high-tech products for the U.S., while the United States provides Taiwan with advanced technologies, industrial machinery, and agricultural products. Mutual foreign direct investment between Taiwan and the United States further underscores the depth of economic interdependence and Taiwan's strategic importance in global supply chains. These interdependencies influence not only economic relations but also regional security and geopolitical dynamics, making Taiwan a critical focal point in global competition.

Conclusions

Taiwan's geopolitical and geoeconomic position makes it a pivotal point in the competition between China and the United States. U.S. policies of simultaneous military and economic support for Taiwan, coupled with political pressures and military threats from China, pose potential risks to economic security and the stability of global production chains. Any changes in Taiwan's political or economic status could have widespread effects on key global industries, underscoring the need for balanced policies and risk management at both regional and international levels. As a central geopolitical and geoeconomic actor, Taiwan plays a decisive role in the economic and security strategies of both China and the United States, and the future of regional relations is closely linked to economic and security interactions with the island.

Keywords: Taiwan, China-U.S. Relations, Geostrategy, Geopolitics, Geoeconomics.



جایگاه تایوان در مناسبات بین چین و ایالات متحده آمریکا؛ ژئوپلیتیک یا ژئواکونومیک؟

مرتضی اسمعیلی^{۱*}، احسان یاری^۲، فاطمه نقی بیرانوند^۳

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: تایوان به دلیل موقعیت استراتژیک ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود، از پایان جنگ سرد تاکنون نقش برجسته‌ای در مناسبات میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده ایفا کرده است. این جزیره نه تنها در مسیرهای تجاری حیاتی منطقه و تنگه تایوان جایگاه کلیدی دارد بلکه با پیشرفت‌های صنعتی و فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه در زمینه تولید نیمه‌هادی‌ها و دیگر فناوری‌های پیشرفته، به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که تایوان نقشی تعیین‌کننده در زنجیره‌های تأمین جهانی دارد و وابستگی کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه ایالات متحده، به محصولات و فناوری‌های آن، تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های اقتصادی و امنیتی قدرت‌های بزرگ دارد. هدف این پژوهش تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تایوان در مناسبات چین و ایالات متحده و بررسی اثرات وابستگی‌های تکنولوژیک و تجاری جزیره بر رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی است.

روش: این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است. داده‌ها از منابع ثانویه معتبر

استناد به این مقاله:

اسمعیلی، مرتضی؛ یاری، احسان و نقی بیرانوند، فاطمه (۱۴۰۴). جایگاه تایوان در مناسبات بین چین و ایالات متحده آمریکا؛ ژئوپلیتیک یا ژئواکونومیک؟. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا. ۲. (۲). ۲۶۰-۲۲۱.

E-mail address: esmaeili2017@shirazu.ac.ir

* نویسنده مسئول:



شامل گزارش‌های بین‌المللی، آمارهای تجاری، گزارش‌های شرکت‌های صنعتی و مقالات علمی جمع‌آوری شده‌اند. تحلیل‌ها بر روندهای صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ظرفیت تولید صنایع کلیدی از جمله نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های پیشرفته متمرکز است. علاوه بر این، روابط اقتصادی تایوان با چین و ایالات متحده از منظر وابستگی‌های متقابل، پیامدهای ژئوپلیتیکی و تأثیرات ژئواکونومیک بررسی شده است تا تصویر جامع و دقیقی از تعاملات اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای و جهانی ارائه شود.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که تایوان نقش غیرقابل جایگزینی در تولید نیمه‌هادی‌های پیشرفته دارد و بیش از نیمی از ظرفیت تولید جهانی تراشه‌های قراردادی را در اختیار دارد. این تراشه‌ها برای صنایع فناوری اطلاعات، خودروسازی، تجهیزات پزشکی و صنایع دفاعی کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه ایالات متحده حیاتی هستند. وابستگی جهانی به تولیدات تایوان، این جزیره را در برابر اختلالات سیاسی، اقتصادی و نظامی بسیار حساس کرده و هرگونه تنش یا بحران می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای در سطح جهان ایجاد کند. روابط اقتصادی چین و تایوان نشان می‌دهد که علی‌رغم اختلافات سیاسی، هر دو کشور در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل بسیار وابسته‌اند؛ چین بزرگ‌ترین شریک تجاری تایوان است و بخش عمده‌ای از صادرات تراشه‌ها و محصولات الکترونیکی تایوان را جذب می‌کند، درحالی‌که تایوان برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات صنعتی به چین وابسته است. از سوی دیگر، روابط اقتصادی تایوان با ایالات متحده نیز قابل توجه است؛ تایوان به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی نیمه‌هادی‌ها و فناوری برای آمریکا عمل می‌کند و ایالات متحده فناوری‌های پیشرفته، ماشین‌آلات صنعتی و محصولات کشاورزی مورد نیاز تایوان را تأمین می‌کند. سرمایه‌گذاری مستقیم متقابل میان تایوان و ایالات متحده نیز نشان‌دهنده عمق وابستگی‌های اقتصادی و اهمیت استراتژیک جزیره در زنجیره‌های تأمین جهانی است. این وابستگی‌های متقابل نه تنها روابط اقتصادی بلکه سیاست‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و جزیره را به یکی از نقاط حساس در رقابت‌های جهانی تبدیل می‌کنند.

نتیجه‌گیری: جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تایوان، این جزیره را به نقطه‌ای کلیدی در رقابت‌های چین و ایالات متحده تبدیل کرده است. سیاست‌های حمایت همزمان نظامی و اقتصادی ایالات متحده از تایوان، همراه با تهدیدات و فشارهای نظامی چین، خطرات بالقوه‌ای برای امنیت اقتصادی و ثبات زنجیره‌های تولید جهانی ایجاد می‌کند. بنابراین، هرگونه تغییر در وضعیت سیاسی یا اقتصادی تایوان می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر صنایع کلیدی جهان داشته باشد و ضرورت اتخاذ سیاست‌های متوازن و مدیریت ریسک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌وضوح نشان می‌دهد. تایوان به‌عنوان بازیگر

محوری ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، نقش تعیین کننده ای در سیاست ها و رقابت های اقتصادی و امنیتی میان چین و ایالات متحده دارد و آینده مناسبات منطقه ای تا حد زیادی به تعاملات اقتصادی و امنیتی با این جزیره وابسته است.

واژگان کلیدی: تایوان، مناسبات چین و ایالات متحده، ژئواستراتژی، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک.

سرآغاز

چین به‌عنوان قدرتی تأثیرگذار در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به واقعیتی غیرقابل‌انکار در نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد تبدیل شده است. رشد شتابان این کشور در سه دهه اخیر موجب برانگیختن حساسیت و تصور تهدید نسبت به این کشور در منطقه شرق آسیا و غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا که بعد از جنگ سرد خود را تنها قدرت برتر و هژمون جهان قلمداد می‌کرد گشته است. ایالات متحده نیز ضمن احساس تهدید از سوی دولت پکن در برابر هژمونی خود در تلاش است تا با در نظر گرفتن شرایط فعلی نظام بین‌الملل که مبتنی بر رویکرد صلح‌گرایانه و تعامل سازنده کشورها با یکدیگر است و به‌منظور جلوگیری از رشد روزافزون اژدهای شرق آسیا به کنترل و مهار آن پردازد ایالات متحده آمریکا مهار چین را در چارچوب رویکرد «احاله مسئولیت»^۱ دنبال می‌کند (Kurt, 2012: 43) و در این راستا ضمن حفظ روابط تجاری گسترده با چین بر آن است تا از طریق همکاری اقتصادی-نظامی، اتحاد سیاسی و بهره بردن از شرایط «ژئوپلیتیک»^۲ و «ژئواکونومیک»^۳ کشورهای حوزه شرق آسیا درصدد مهار چین گام بردارد. لذا از میان کشورهای این حوزه تایوان با در اختیار داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و قدرت عظیم اقتصادی (ژئواکونومیک) اهمیت بسزایی برای تحقق استراتژی ایالات متحده آمریکا در راستای مهار چین دارد.

تایوان یک کشور جزیره‌ای است که در منطقه شرق آسیا واقع شده است و به لحاظ تاریخی تا قبل از جنگ جهانی دوم جزء جمهوری خلق چین بوده است؛ اما از سال ۱۹۴۷ خود را کشوری مستقل خواند و قانون اساسی مختص به خود را وضع کرد. تایوان از یک موقعیت جغرافیایی ویژه در منطقه شرق آسیا برخوردار است که از بدو تأسیس به لحاظ اقتصادی پیشرفت چشمگیری داشته است (Zari, 2018: 430). افزون

1. Transfer of responsibility

2. Geopolitics

3. Geoeconomics

بر توانمندی اقتصادی، موقعیت جغرافیایی تایوان را به کشوری تبدیل کرده است که واشینگتن نمی‌تواند در راستای مهار چین از آن چشم‌پوشی کند. از نظر ژئوپلیتیک، تایوان نقش مهمی در تعادل قدرت‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. چین به‌طور مداوم بر وحدت ملی خود و دستیابی به تایوان به‌عنوان هدفی کلیدی در سیاست‌های خارجی خود تأکید دارد. در مقابل، ایالات متحده به‌عنوان یک متحد نزدیک تایوان، بر حفظ ثبات منطقه‌ای و مقابله با نفوذ فزاینده چین تمرکز کرده است (Friedberg, 2018: 112). از جنبه ژئواکونومیک، تایوان به دلیل موقعیت خود در زنجیره تأمین جهانی فناوری، به‌ویژه در زمینه نیمه‌رساناها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت اقتصادی تایوان را به یک مرکز کلیدی در رقابت‌های اقتصادی جهانی تبدیل کرده است (Tai, 2020: 78). با نظر به جایگاه اقتصادی و جغرافیایی تایوان در منطقه «ایندوپاسیفیک»^۱ نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است؛ نقش تایوان در مناسبات بین چین و ایالات متحده آمریکا از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به چه صورت است؟ با هدف پاسخگویی به پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی مدنظر فرضیه‌ای پژوهش بدین‌صورت مفصل‌بندی شده است که با نظر به موقعیت اقتصادی و جغرافیایی تایوان، جایگاه این کشور در مناسبات بین جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا از دو بعد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک قابل تبیین و بررسی است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که از منظر ژئوپلیتیک، تایوان به‌عنوان ابزاری برای رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه ایندوپاسیفیک به‌ویژه چین و ایالات متحده مطرح است و هر دو کشور از آن برای تحقق منافع امنیتی، نظامی خود که در بازه زمانی چهار دهه (۱۹۹۰-۲۰۲۰) رقابت‌های نظامی-امنیتی، نقش تایوان در سیاست «آسیای آزاد و باز» بهره‌جسته‌اند و از منظر ژئواکونومیک نیز مبادلات اقتصادی، فناوری‌های نوین و

1. Indo-Pacific

نیمه هادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی متقابل تایوان و هریک از این دو کشور حائز اهمیت و بررسی است.

۱. پیشینه پژوهش

منابع متعددی در خصوص پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله «تایوان میانه دو تعارض؛ موفقیت ژئواکونومیکی و چالش ژئوپلیتیکی» (زارعی، موسوی شهیدی و مصدق، ۱۴۰۲) نگارندگان ضمن بیان تاریخچه تایوان و روابط آن با چین، تایوان را به عنوان یکی از قدرت های اقتصادی ایندوپاسیفیک وسیله ای در جهت پیشبرد اهداف ایالات متحده آمریکا در منطقه شرق آسیا تلقی می کنند. بدین صورت که ایالات متحده با دامن زدن به چالش ژئوپلیتیکی دیرینه بین چین و تایوان درصدد مهار رشد روزافزون چین است.

در مقاله ای دیگر با عنوان «اهمیت استراتژیک تایوان: ابعاد ژئوپلیتیکی و اقتصادی» (Sutter and Lai, 2020) نگارندگان اهمیت استراتژیک تایوان در زمینه های ژئوپلیتیکی و اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و با تحلیل تأثیرات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی موقعیت تایوان بر روابط بین الملل و نحوه تعامل آن با قدرت های بزرگ جهانی مانند ایالات متحده و چین را مورد تبیین قرار می دهند و در آخر بیان می کنند که چگونه تایوان می تواند از این موقعیت به نفع خود استفاده کند.

مقاله «استراتژی های ژئواکونومیک تایوان در بحبوحه تنش های ژئوپلیتیک فزاینده» (Connors and Li, 2022) با هدف تحلیل شیوه های مختلف تایوان در مواجهه با چالش های ناشی از رقابت های ژئوپلیتیک در سطح جهانی در جهت حفظ موقعیت اقتصادی و سیاسی خود به بررسی استراتژی های ژئواکونومیکی تایوان در مواجهه با تنش های فزاینده ژئوپلیتیکی می پردازد.

در مقاله «وابستگی های اقتصادی و ریسک های استراتژیک: تایوان در چارچوب روابط آمریکا و چین» (Brown and Shirk, 2021) نگارندگان ضمن هدف قرار دادن

چالش‌های اقتصادی پیش روی تایوان در زمینه‌های منبع حیاتی، فناوری و همچنین تأثیر این وابستگی‌ها بر امنیت ملی و سیاست خارجی تایوان در ابتدا وابستگی‌های اقتصادی تایوان و سپس خطرات استراتژیک ناشی از روابط پیچیده میان ایالات متحده و چین را مورد تبیین و بررسی قرار می‌دهند.

مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «تأثیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی بر سیاست‌های اقتصادی تایوان» (Economy and Bush, 2023) ابتدا نحوه تعامل تایوان با قدرت‌های رقیب و استراتژی‌های اقتصادی آن برای مدیریت و بهبود وضعیت اقتصادی در مواجهه با فشارهای بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهد و در آخر به تحلیل تأثیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی بر سیاست‌های اقتصادی تایوان می‌پردازد.

در انتها با نظر به منابع مطالعه شده لازم به ذکر است که هر یک از منابع مذکور به ابعاد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تایوان و همچنین چالش‌های پیش روی این کشور را در ابعاد مذکور را مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند. لذا هیچ‌یک از منابع ابعاد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تایوان را از زاویه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و چین در رقابت با یکدیگر در نظر نگرفته است. در این خصوص نگارندگان در پژوهش حاضر با تکیه بر مباحث ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ذیل چارچوب مفهومی ژئواستراتژی ضمن پرداختن به ابعاد اقتصادی و جغرافیایی تایوان به دنبال تبیین سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و چین و رقابت این دو کشور با استفاده از ابعاد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تایوان هستند.

۲. چارچوب مفهومی: ژئواستراتژی

«ژئواستراتژی»^۱ یکی از شاخه‌های مطالعات روابط بین‌الملل است که به تحلیل و استفاده از موقعیت‌های جغرافیایی برای اهداف استراتژیک و سیاسی می‌پردازد. در طول

1. Geostrategy

تاریخ، این مفهوم به‌طور چشمگیری تحت تأثیر تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار گرفته است. مفهوم ژئواستراتژی اگرچه در قرن بیستم به‌شدت توسعه یافت و نقشی حیاتی در تبیین قدرت‌های جهانی و رقابت‌های بین‌المللی ایفا کرد اما ریشه‌های ژئواستراتژی به تفکرات جغرافی‌دانان و استراتژیست‌های قرن نوزدهم و نظریات جغرافیای سیاسی مرتبط با سیاست‌های توسعه‌طلبانه کشورهای بزرگ بازمی‌گردد. در این دوره، جغرافی‌دانان و تحلیلگران سیاسی به‌طور فزاینده‌ای به ارتباط میان جغرافیا و سیاست‌های امپراتوری توجه نشان دادند. یکی از نخستین نظریه‌پردازان مهم در این زمینه «فریدریش راتزل»^۱ بود که مفهوم «فضای حیاتی»^۲ را معرفی کرد. راتزل تأکید داشت که هر کشوری به‌منظور حفظ قدرت و بقای خود نیاز به گسترش سرزمینی و کنترل منابع طبیعی دارد. او استدلال می‌کرد که قدرت‌های بزرگ به دلیل نیازهای اقتصادی و جمعیتی باید مناطق جدیدی را برای توسعه و استقرار مردم خود تصاحب کند که این ایده به‌ویژه در سیاست‌های امپراتوری‌های اروپایی، ازجمله آلمان و بریتانیا، نفوذ زیادی داشت (Ratel, 1897: 85).

در اوایل قرن بیستم، مفهوم ژئواستراتژی با تلاش‌های تحلیلگران بزرگ جغرافیایی و استراتژیست‌ها به شدت تکامل یافت. «هارلد مک‌کیندر»^۳ جغرافیدان و دانشمند سیاسی بریتانیایی ذیل ژئواستراتژی مفهوم «محور جغرافیایی تاریخ»^۴ یا «هارتلند»^۵ را مطرح کرد. این نظریه به تحلیل موقعیت جغرافیایی کشورها و قدرت‌های جهانی می‌پردازد و بر اهمیت کنترل بر منطقه‌ای خاص از جهان تأکید دارد که به‌طور استراتژیک در مرکز قاره اوراسیا قرار دارد. مک‌کیندر معتقد بود که کشوری که بتواند بر

1. Friedrich Ratel

2. Vital space

3. Harold Mackinder

4. Geographical axis of history

5. Heartland

این هارتلند تسلط یابد، می‌تواند به قدرتی جهانی تبدیل شود و روابط قدرت‌های جهانی را به نفع خود تغییر دهد (Mackinder, 1904: 429).

افزون بر هارتلند که از سوی مک‌کیندر مطرح شد در دهه ۱۹۴۰ اندیشمند دیگری با نام «نیکلاس اسپایکمن»^۱ به تکمیل و اصلاح نظریه‌ی مک‌کیندر پرداخت و مفهوم دیگری تحت عنوان «ریم‌لند»^۲ مطرح کرد که این جزایر شامل کشورهای بزرگ دریایی مانند بریتانیا، ایالات متحده، ژاپن و چین می‌شوند که در اطراف هارتلند قرار دارند و اهمیت استراتژیک زیادی دارند. او معتقد بود که جزایر حاشیه‌ای به‌عنوان «خطوط ارتباطی»^۳ با هارتلند عمل می‌کنند و تسلط بر این مناطق می‌تواند قدرت‌های جهانی را قادر سازد تا بر منابع و مسیرهای تجاری این منطقه حیاتی تسلط یابند (Spielman, 1944: 134).

پس از مک‌کیندر و اسپایکمن نظریه‌های هارتلند و ریم‌لند تأثیر ژرفی بر جغرافی‌دانان، استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بر جای گذاشت که موجب بسط این مفاهیم در شرایط جغرافیایی و سیاسی به‌ویژه در دوران جنگ سرد و بعد از آن گشت. «زبیگنیو برژینسکی»^۴ یکی از مهم‌ترین اندیشمندان ژئوپلیتیک است که مفاهیم هارتلند و ریم‌لند را در دهه‌های میانه قرن بیستم در قالب رویکردهای جدید و متناسب با وضعیت جغرافیایی و سیاسی آن زمان گسترش داد. برژینسکی در کتاب خود با عنوان «صفحه شطرنج بزرگ»^۵ (۱۹۹۷) به تفصیل از اهمیت کنترل هارتلند در دوران پس از جنگ سرد و ظهور قدرت‌های جدید در حوزه‌های جغرافیایی مختلف سخن گفت. از منظر او هارتلند نه تنها به مفهوم جغرافیایی بلکه به مفهوم سیاسی و فرهنگی نیز تبدیل شده است. برژینسکی معتقد بود که برای دستیابی به سلطه جهانی،

1. Nicholas Spielman

2. Rimland

3. Communication lines

4. Zbigniew Brzezinski

5. Large chessboard

آمریکا باید کنترل بر مناطق کلیدی در اروپای شرقی و آسیای مرکزی را حفظ کند و از این طریق، مانع از شکل‌گیری اتحادیه‌های اقتصادی و نظامی قدرت‌های رقیب شود. این نظرات بر تحولات «ژئوپلیتیک» در دوران پس از جنگ سرد و ظهور اتحادیه‌های جدیدی همچون اتحادیه اروپا و سازمان همکاری‌های شانگهای تأثیرگذار بوده است. در زمینه «ژئواکونومیک» برژینسکی بر اهمیت انتقال منابع انرژی و کنترل راه‌های تجاری در ریم‌لند تأکید داشت. او معتقد بود که کنترل ریم‌لند برای آمریکا نه تنها از لحاظ نظامی، بلکه از بعد اقتصادی و تجاری نیز ضروری است تا قدرت جهانی خود را در مقابل رقبا حفظ کند (Brzezinski, 1997: 42).

پس از برژینسکی، اندیشمندان دیگری نیز به گسترش مفاهیم هارتلند و ریم‌لند پرداخته‌اند اما به‌طور اخص توجه آن‌ها به تحولات جهانی پس از جنگ سرد و ظهور فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی معطوف بود. از جمله این اندیشمندان می‌توان به «جان نگری»^۱ اشاره کرد که در کتاب «مگاترند»^۲ (۱۹۸۲) به اهمیت تغییرات اقتصادی و سیاسی جهانی در رابطه با هارتلند و ریم‌لند پرداخته است (Caldor, 2003:57).

در دوران مدرن، گسترش مفاهیم هارتلند و ریم‌لند به‌عنوان مفاهیم مکمل در دو حوزه «ژئوپلیتیک» و «ژئواکونومیک» اهمیت یافته است. به عبارت دیگر، هارتلند به‌عنوان منطقه‌ای استراتژیک با ویژگی‌های طبیعی و منابع غنی که به‌طور مستقیم بر قدرت نظامی و امنیت ملی کشورها تأثیر می‌گذارد و ریم‌لند به‌عنوان منطقه‌ای اقتصادی و تجاری که نقش کلیدی در حفظ تعادل اقتصادی و توسعه جهانی ایفا می‌کند همواره موردتوجه قرار دارند. «ژئوپلیتیک هارتلند» به‌عنوان ابزاری برای بررسی نحوه توزیع قدرت نظامی و نفوذ سیاسی در مناطق مرکزی دنیا و «ژئواکونومیک ریم‌لند» به‌عنوان ابزار برای تحلیل روابط اقتصادی و تجاری جهانی به‌ویژه در دوران جهانی‌شدن و رقابت‌های اقتصادی جدید از اهمیت بالایی برخوردار است.

1. John Negri
2. Megatrend

با نظر به مفاهیم فوق و تحلیل های جدید که بر اساس این دو مفهوم به بررسی و تحلیل چالش های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و شرق آسیا پرداخته اند. ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین ضمن در نظر داشتن اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک حوزه ایندوپاسیفیک در نظر دارند تا با بهره جستن از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تایوان از طریق روابط گسترده با این کشور به رقابت بر سر منافع در این منطقه بپردازد. ترکیب دو رویکرد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی نشان دهنده اهمیت تایوان در استراتژی کلی ایالات متحده و چین برای رقابت با یکدیگر در سطح جهانی است. در این راستا ایالات متحده و چین از تایوان هم در بُعد ژئوپلیتیکی و هم در بُعد ژئواکونومیک به عنوان ابزاری برای رقابت با یکدیگر بهره جسته اند.

۳. تاریخچه شکل گیری تایوان و روابط با جمهوری خلق چین

تایوان جزیره ای واقع در دریای چین شرقی پیچیده و چندلایه دارد که تحت تأثیر اقوام بومی، استعمارگران خارجی و تحولات ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و طبق مفاد پیمان های بین المللی تایوان به جمهوری چین واگذار شد در سال ۱۹۴۵، تایوان تحت کنترل جمهوری چین قرار گرفت و به عنوان یکی از استان های این کشور شناخته شد؛ اما در سال ۱۹۴۹، پس از پایان جنگ داخلی چین و پیروزی کمونیست ها در برابر نیروهای ملی گرای جمهوری چین، دولت جمهوری چین به تایوان پناه برد و از آن زمان به عنوان دولت مستقر در تایوان شناخته شد (Chen, 2011:215). در دوران پس از جنگ، تایوان تحت حکومتی ملی گرایانه و تحت رهبری حزب «کومینتانگ»^۱ قرار گرفت. در این دوران، تایوان به طور موقت به عنوان پایتخت جمهوری چین شناخته می شد در حالی که جمهوری خلق چین تحت

1. Kuomintang

رهبری حزب کمونیست چین در سرزمین اصلی تشکیل شد و روابط میان تایوان و چین به سرعت وارد یک دوره تنش آلود شد زیرا هر دو طرف ادعای حاکمیت بر چین را داشتند (Liu, 2003:210). پس از انقلاب ۱۹۴۹ و سیطره کامل حزب کمونیست بر سرزمین اصلی چین تنش‌های میان جمهوری خلق چین و تایوان (جمهوری چین) با نقش‌آفرینی ایالات متحده آمریکا وارد مرحله تازه‌ای از منازعات سیاسی شد.

۴. تایوان و مناسبات ژئوپلیتیک بین چین و ایالات متحده آمریکا

نقش تایوان در مناسبات بین چین و ایالات متحده آمریکا از منظر ژئوپلیتیک یک مسئله کلیدی است که پیچیدگی‌های زیادی را در عرصه سیاست بین‌الملل ایجاد کرده است. این مسئله به‌ویژه پس از جنگ سرد و در دوران جهانی‌شدن اهمیت بیشتری یافته است. تایوان به‌عنوان یک جزیره در شرق آسیا نه تنها از نظر اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت است بلکه به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش در دریای چین شرقی و نزدیکی به مسیرهای تجاری و منابع انرژی از اهمیت استراتژیک نیز برخوردار است. در طول جنگ سرد تایوان بخشی از استراتژی ایالات متحده در برابر نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در آسیا بود. تایوان به‌عنوان یک پایگاه پیشرفته در مقابل گسترش کمونیسم در منطقه، در کنار سایر متحدان آمریکا در شرق آسیا مانند ژاپن و کره جنوبی نقش حیاتی ایفا می‌کرد (Roy, 2003: 214). از این‌رو مسئله تایوان همواره به‌عنوان یک عامل مهم در رقابت ابرقدرت‌ها مطرح بوده است و به‌عنوان یکی از نقاط حساس در ساختار دفاعی منطقه‌ای ایندوپاسیفیک شناخته می‌شود که در توازن قدرت جهانی تأثیر زیادی دارد. این جزیره برای ایالات متحده به‌عنوان یک پایگاه کلیدی برای مانع‌سازی از نفوذ چین در آب‌های جنوبی و شرقی آسیا و همچنین در تأمین مسیرهای تجارت بین‌المللی و منابع انرژی منطقه‌ای اهمیت دارد. از سوی دیگر، چین بر اساس دیدگاه‌های ژئوپلیتیک خود، تایوان را به‌عنوان یک نقطه استراتژیک برای مشروعیت بخشی به قدرت خود در

آسیا و جهان می‌بیند. افزون بر این به لحاظ اثرگذاری بر معادلات نظامی تایوان به‌عنوان بخشی از دکترین دفاعی چین و ایالات متحده، می‌تواند در صورت بروز بحران‌ها یا جنگ‌های احتمالی، به مکان حیاتی برای استقرار نیروهای نظامی و منابع دفاعی تبدیل شود. برای ایالات متحده، کنترل یا دسترسی به تایوان می‌تواند به معنی حفظ برتری نظامی در اقیانوس آرام باشد. از سوی دیگر، برای چین، تسلط بر تایوان به معنای تکمیل دایره امنیتی خود در برابر تهدیدات خارجی است.

در این راستا چین با استفاده از قدرت اقتصادی خود، به‌ویژه از طریق پروژه‌هایی مانند «یک کمربند-یک جاده»^۱ تلاش کرده است تا تأثیر خود را در کشورهای آسیایی و فراتر از آن گسترش دهد. در این راستا تایوان به‌عنوان یک مانع اصلی برای چین در مسیر تحکیم نفوذش در آسیا و در دریای چین جنوبی قرار دارد (Breslin, 2011: 95). ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی نگران است که هرگونه تغییر در وضعیت تایوان به‌ویژه در صورت تسلط چین بر این جزیره منجر به تغییرات بنیادین در تعادل قدرت در آسیا و در نهایت در نظام جهانی شود. درواقع بسیاری از تحلیلگران معتقدند که تایوان می‌تواند یکی از نقاط آغازین در رقابت‌های ژئوپلیتیک میان چین و ایالات متحده باشد. در همین راستا ایالات متحده همچنان به تأمین امنیت تایوان پرداخته و از طریق فروش تسلیحات پیشرفته به تایوان، تلاش می‌کند تا توان دفاعی آن را تقویت کند (Roy, 2003:178).

سیاست «آسیای آزاد و باز»^۲ ایالات متحده برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ توسط وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده رکس تیلرسون به‌طور رسمی معرفی شد و سپس در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و جو بایدن ادامه یافت. هدف اصلی این سیاست تضمین آزادی‌های اقتصادی و امنیتی در منطقه هند و اقیانوس آرام است جایی که رقابت‌های ژئوپلیتیک میان ایالات متحده و چین به‌شدت در حال افزایش است. این

1. One Belt, One Road
2. Free and Open Asia

سیاست به دنبال حفاظت از اصول دموکراسی، حقوق بشر و آزاد بودن مسیرهای دریایی برای تجارت و ناوبری بین‌المللی است (Koh, 2020: 31). در چارچوب این سیاست تایوان جایگاه ویژه‌ای دارد، ایالات متحده تایوان را به‌عنوان یک شریک دموکراتیک و استراتژیک در منطقه هند و اقیانوس آرام می‌بیند. این سیاست تأکید دارد بر حمایت از تایوان در برابر تهدیدات چین و تلاش برای حفظ وضعیت کنونی که به‌طور غیررسمی تایوان را از چین مستقل می‌کند درحالی‌که چین هرگونه تلاش برای استقلال تایوان را به‌شدت رد می‌کند در چارچوب سیاست «آسیای آزاد و باز»، تایوان به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی برای ایالات متحده در راستای مقابله با رشد نفوذ چین در منطقه تلقی می‌شود. ایالات متحده با هدف جلوگیری از اعمال فشار و تهدیدات چین علیه تایوان به تقویت روابط دفاعی و اقتصادی خود با تایوان ادامه داده است درواقع ایالات متحده در این چارچوب تایوان را به‌عنوان یک منطقه استراتژیک برای حفظ تعادل قدرت در منطقه آسیا و اقیانوس آرام می‌بیند (Sutter, 2017: 127).

یکی از ابعاد اصلی این سیاست، حمایت نظامی ایالات متحده از تایوان است. ایالات متحده طبق «قانون روابط تایوان»^۱ که در سال ۱۹۷۹ تصویب شد موظف به تأمین دفاع از تایوان در برابر تهدیدات خارجی است. این قانون می‌گوید که ایالات متحده باید تجهیزات و فناوری‌های دفاعی پیشرفته به تایوان ارائه دهد تا بتواند در برابر هرگونه تهدیدی از سوی چین مقاومت کند. در سیاست «آسیای آزاد و باز»، ایالات متحده به‌ویژه در زمینه‌هایی نظیر فروش سلاح‌های پیشرفته به تایوان، آموزش‌های نظامی و حمایت‌های لجستیکی از ارتش تایوان اقدام کرده است (Bush, 2005: 67).

پشتیبانی ایالات متحده از تایوان در سیاست «آسیای آزاد و باز» تنها محدود به مسائل نظامی نیست. تایوان به‌عنوان یک دموکراسی آزاد در برابر مدل حکومتی چین قرار دارد و ایالات متحده از تایوان به‌عنوان نمادی از مقاومت در برابر استبداد چین استفاده

می‌کند. در دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن، ایالات متحده به‌طور مستمر از تایوان در برابر تهدیدات چین حمایت کرده است. بایدن بارها تأکید کرده که ایالات متحده به حمایت از تایوان ادامه خواهد داد و در صورتی که چین حمله‌ای به تایوان انجام دهد پاسخ ایالات متحده سریع و قاطع خواهد بود (Koh, 2020: 36). در سیاست جهانی ایالات متحده، تایوان به‌عنوان یک نماد از دموکراسی‌های لیبرال در مقابل چین استبدادی شناخته می‌شود. ایالات متحده به‌ویژه در دوران جهانی‌شدن تایوان را به‌عنوان یک خط دفاعی استراتژیک در برابر نفوذ چین در نظر گرفته و از این نظر حمایت‌های خود را از تایوان ادامه می‌دهد. همچنین، ایالات متحده به دنبال تقویت اتحادهای خود با کشورهای منطقه‌ای مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا است تا بتواند در برابر تهدیدات چین در منطقه مقاومت کند. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در اجرای سیاست «آسیای آزاد و باز»، مواجهه با تهدیدات نظامی چین است که به شدت مخالف هرگونه تلاش برای استقلال تایوان است و این امر می‌تواند در صورت حمایت بیشتر ایالات متحده از تایوان به درگیری‌های نظامی منجر شود. همچنین، در شرایطی که چین به‌طور فزاینده‌ای در تلاش است تا نفوذ خود را در مناطق مختلف آسیا گسترش دهد ایالات متحده باید راهکارهایی برای مقابله با فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی چین اتخاذ کند (Breslin, 2011: 116).

۱-۴. نقش تایوان در استراتژی‌های نظامی چین و ایالات متحده

تایوان از منظر نظامی برای چین و ایالات متحده اهمیت حیاتی دارد. برای چین، تایوان نه تنها یک بخش از سرزمین چین محسوب می‌شود بلکه کنترل این جزیره به چین اجازه می‌دهد تا تسلط بیشتری بر دریای چین جنوبی و همچنین خطوط تجاری حیاتی در منطقه داشته باشد. تایوان به‌عنوان یک پایگاه استراتژیک در نزدیکی آب‌های بین‌المللی و در همسایگی با ژاپن و کره جنوبی می‌تواند تعادل قدرت در آسیا را تغییر دهد (Breslin, 2011: 88).

چین از دهه های اخیر به طور مداوم برنامه های نظامی خود را برای تهدید تایوان گسترش داده است. این تهدیدات شامل افزایش عملیات نظامی و برگزاری رزمایش های نظامی در نزدیکی مرزهای تایوان می شود. در مقابل ایالات متحده برای حفظ امنیت تایوان و متوقف کردن پیشروی چین در منطقه به فروش تسلیحات پیشرفته به تایوان پرداخته و به طور غیرمستقیم از تایوان در برابر تهدیدات نظامی چین حمایت می کند. این همکاری های نظامی بین تایوان و ایالات متحده در سال های اخیر تقویت شده اند و این امر به یک منبع اصلی تنش بین چین و ایالات متحده تبدیل شده است. به طور کلی اقدامات نظامی چین در برابر تایوان در چهار بازه زمانی قابل بررسی است که در ادامه مورد تبیین قرار گرفته است.

– دهه ۱۹۹۰: تلاش های چین برای فشار نظامی بر تایوان

پس از پایان جنگ سرد، یکی از اصلی ترین اولویت های سیاست خارجی چین حفظ یکپارچگی سرزمینی کشور و جلوگیری از هرگونه حرکت به سمت استقلال تایوان بود. در دهه ۱۹۹۰، چین شروع به تقویت توان نظامی خود به ویژه در زمینه های دریایی و هوایی کرد؛ علاوه بر این چین تمرکز ویژه ای بر روی افزایش توان موشکی خود داشت. با توجه به منابع معتبر چین در این دهه به سرعت در حال توسعه سیستم های موشکی کوتاه برد و میان برد بود که قابلیت هدف قرار دادن تایوان را داشتند. در سال ۱۹۹۵، چین واکنش شدیدی به سفر رئیس جمهور تایوان لی دن-هویی^۱، به ایالات متحده داشت. چین در سال های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ چندین رزمایش نظامی و آزمایش موشکی در نزدیکی تایوان برگزار کرد که این امر باعث نگرانی های زیادی در سطح بین المللی شد. یکی از مهم ترین این آزمایش ها آزمایش موشک های بالستیک در

نزدیکی تایوان بود که نگرانی‌هایی را درباره احتمال شروع جنگ در منطقه برانگیخت (Kaplan, 2010: 55).

– دهه ۲۰۰۰: افزایش توان نظامی و به‌روزرسانی نیروی دریایی و هوایی

در اوایل دهه ۲۰۰۰، چین با هدف بهبود توانایی‌های نظامی خود در برابر تایوان، اصلاحات گسترده‌ای در نیروی نظامی خود به‌ویژه در زمینه‌های دریایی، هوایی و موشکی انجام داد. چین سرمایه‌گذاری زیادی در زمینه ساخت و خرید کشتی‌های جنگی، زیردریایی‌های مدرن و هواپیماهای جنگی پیشرفته مانند جت‌های شکاری J-10 انجام داد. همچنین در این دوره، چین برنامه‌های گسترده‌ای برای توسعه سامانه‌های دفاعی موشکی انجام داد تا قابلیت‌های بازدارندگی خود را تقویت کند (Swaine, 2006:72). در این دهه، چین همچنین به توسعه سامانه‌های موشکی ضد کشتی پرداخت تا تهدیدات بالقوه از سوی نیروهای دریایی خارجی را در صورت دخالت در تایوان کاهش دهد این اقدامات به‌ویژه در واکنش به تلاش‌های ایالات متحده برای تقویت همکاری‌های نظامی با تایوان صورت می‌گرفت.

– دهه ۲۰۱۰: قدرت‌نمایی و تقویت بازدارندگی در برابر تایوان

در دهه ۲۰۱۰، چین توانست به یکی از قدرت‌های نظامی بزرگ جهان تبدیل شود و توانمندی‌های خود را در عرصه جنگ‌های ترکیبی (شامل حملات موشکی، جنگ سایبری و جنگ اطلاعاتی) تقویت کرد. چین با افزایش قدرت نظامی خود تهدیدات نظامی علیه تایوان را با استفاده از قدرت‌های هوایی، دریایی و موشکی به‌طور قابل‌توجهی افزایش داد. یکی از مهم‌ترین تحولات این دهه، تمرکز چین بر توسعه و استقرار موشک‌های بالستیک ضد کشتی بود که قادر بودند کشتی‌های جنگی ایالات متحده و دیگر کشورهای دخیل در امنیت تایوان را هدف قرار دهند. در این

دوره، چین همچنین برای اولین بار موفق به توسعه یک ناو هواپیمابر بومی شد که توانایی های دریایی خود را در منطقه تقویت کرد (Glaser, 2015:109).

- دهه ۲۰۲۰: تنش ها و تحولات جدید

در سال های اخیر، چین با گسترش فعالیت های نظامی خود در اطراف تایوان و افزایش تعداد پروازهای شناسایی و نظامی خود در نزدیکی مرزهای تایوان فشارهای بیشتری را بر تایوان وارد کرده است. این تنش ها به ویژه پس از روی کار آمدن رئیس جمهور تایوان تسای اینگ-ون^۱ که بر استقلال تایوان تأکید کرده بود تشدید شد. چین در این دوره به طور مداوم از رزمایش های نظامی گسترده استفاده کرده و حتی تعداد زیادی از موشک های خود را به سمت مناطق اطراف تایوان شلیک کرده است (Bit zinger, 2020: 58).

افزون بر اقدامات چین در چهار بازه زمانی باید گفت که استراتژی های نظامی این کشور در قبال تایوان که در که شامل دکترین نظامی چین و سناریوهای احتمالی در صورت حاد شدن بحران تایوان است قابل تأمل و بررسی است. در دکترین نظامی بر مواردی چون تقویت ویژه نیروی دریایی (در خصوص تایوان)، تمرکز هر چه بیشتر بر جنگ سایبری و اطلاعاتی و ضربه پیشگیرانه تأکید می شود. در خصوص سناریوهای احتمالی نیز تسلط بر تایوان با استفاده از نیروی نظامی و بلوکه سازی و حملات موشکی مدنظر است.

از سوی دیگر برای ایالات متحده تایوان به عنوان یک خط دفاعی در برابر نفوذ فزاینده چین در منطقه و یک نقطه کلیدی در «استراتژی اقیانوس آرام»^۲ ایالات متحده در نظر گرفته می شود. ایالات متحده می خواهد هرگونه تلاش چین برای تغییر وضعیت تایوان از طریق زور یا فشار نظامی را به چالش بکشد زیرا این امر می تواند به تغییرات

1. Tsai Ing-wen

2. Pacific Strategy

عمده‌ای در تعادل قدرت در آسیا و به‌ویژه در دریای چین جنوبی منجر شود (Sutter, 124: 2017). در این راستا حمایت‌های نظامی ایالات متحده بعد از جنگ سرد در چهار بازه زمانی مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است.

دوره ۱۹۹۰: سیاست موازنه قدرت و واکنش به بحران‌های تایوان: پس از پایان جنگ سرد، ایالات متحده سیاست موازنه قدرت را در منطقه آسیا-پاسفیک دنبال کرد. هدف اصلی این سیاست جلوگیری از تبدیل چین به یک تهدید نظامی بزرگ برای تایوان و دیگر کشورهای منطقه بود. در دهه ۱۹۹۰، ایالات متحده به‌طور ویژه در زمینه فروش تسلیحات پیشرفته به تایوان و تقویت توان دفاعی آن تمرکز داشت. در پاسخ به آزمایش‌های موشکی چین در سال ۱۹۹۵ و بحران تنگه تایوان در سال ۱۹۹۶، ایالات متحده واکنش نظامی نشان داد. در این بحران، چین اقدام به شلیک موشک‌هایی به مناطق اطراف تایوان کرد که این اقدام به شدت روابط چین و تایوان را متشنج کرد. در واکنش به این تهدید، ایالات متحده نیروی دریایی خود را به منطقه اعزام کرد کشتی‌های جنگی آمریکا به‌ویژه دو ناو هواپیمابر به منطقه فرستاده شدند تا فشار بیشتری بر چین وارد کنند و حمایت خود از تایوان را نشان دهند. این اقدام نشان داد که ایالات متحده آماده است از نیروی نظامی خود برای دفاع از تایوان استفاده کند حتی اگر به‌طور غیرمستقیم و از طریق حمایت از استقلال تایوان.

دوره ۲۰۰۰: تقویت همکاری‌های نظامی و فروش تسلیحات پیشرفته: در دهه ۲۰۰۰، سیاست ایالات متحده در قبال تایوان همچنان بر تقویت توان دفاعی تایوان و بازدارندگی چین متمرکز بود. این دوره شاهد فروش گسترده تسلیحات به تایوان بود یکی از این فروش‌ها، قراردادهایی برای فروش سیستم‌های دفاع موشکی، مانند سیستم‌های پاتریوت و هواپیماهای پیشرفته بود ایالات متحده همچنین به تایوان کمک‌های فنی در زمینه توسعه

سامانه‌های دفاع هوایی و ضد کشتی ارائه داد (Stokes, 2001:143). این همکاری‌ها در حالی انجام می‌شد که چین به شدت مخالف این فروش‌ها بود و همواره اعلام می‌کرد که چنین اقداماتی تهدیدی علیه حاکمیت چین است. با این حال، ایالات متحده تأکید داشت که فروش تسلیحات به تایوان تنها به منظور تقویت توان دفاعی آن و جلوگیری از هرگونه تجاوز احتمالی از سوی چین صورت می‌گیرد.

دهه ۲۰۱۰: چرخش به سمت استراتژی بازدارندگی و تقویت حضور نظامی در منطقه: در دهه ۲۰۱۰، ایالات متحده استراتژی بازدارندگی خود را با تمرکز بر افزایش حضور نظامی در منطقه و تقویت روابط نظامی با تایوان به‌ویژه در زمینه‌های دریایی و هوایی ادامه داد. این دوره شاهد افزایش تمرینات نظامی مشترک میان ایالات متحده و تایوان بود که هدف از آن تقویت آمادگی‌های دفاعی تایوان در برابر تهدیدات چین بود. علاوه بر این، ایالات متحده در این دوره سیاست «چرخش به آسیا»^۱ را آغاز کرد که هدف آن تقویت حضور نظامی و دیپلماتیک ایالات متحده در منطقه بود تا تعادل قدرت را در برابر چین حفظ کند (Clinton, 2011:72). در این دهه، ایالات متحده همچنین به تقویت زیرساخت‌های نظامی خود در اطراف چین پرداخت و رزمایش‌های نظامی متعددی در منطقه برگزار کرد. این رزمایش‌ها نه تنها به عنوان یک ابزار برای تقویت توان نظامی تایوان تلقی می‌شدند بلکه پیام‌هایی را نیز به چین ارسال می‌کردند که ایالات متحده آماده است در صورت لزوم از تایوان دفاع کند.

دهه ۲۰۲۰: تشدید تنش‌ها و تقویت حضور نظامی آمریکا در اقیانوس آرام: با روی کار آمدن رئیس‌جمهور جو بایدن در سال ۲۰۲۱، ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای به تقویت همکاری‌های نظامی با تایوان و افزایش حضور نظامی در منطقه آسیا-پاسفیک

پرداخته است. در این دوره، تهدیدات چین به‌ویژه در تنگه تایوان و اطراف آن افزایش‌یافته و ایالات متحده نیز در واکنش به این تهدیدات اقدامات خود را شدت بخشیده است.

یکی از تحولات کلیدی در این دوره، افزایش تعداد پروازهای شناسایی و گشتی ایالات متحده در نزدیکی مرزهای تایوان است. همچنین ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای از کشتی‌های جنگی خود برای برقراری حضور در آب‌های بین‌المللی اطراف تایوان استفاده می‌کند. ایالات متحده همچنین همکاری‌های خود را با سایر کشورهای منطقه مانند ژاپن و استرالیا در زمینه امنیت و دفاع تقویت کرده است (Yee, 2021: 91). همچنین در این دوره ایالات متحده اقدام به فروش تسلیحات پیشرفته‌تری به تایوان کرده است که شامل جنگنده‌های اف-۱۶ و سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته می‌شود. این فروش‌ها نه تنها به تقویت توان دفاعی تایوان کمک کرده است بلکه پیام قاطعی به چین ارسال می‌کند که ایالات متحده هرگز تهدیدات چین علیه تایوان را نادیده نخواهد گرفت.

همانند چین، استراتژی‌های نظامی ایالات متحده در قبال تایوان نیز قابل بررسی است. ایالات متحده از استراتژی بازدارندگی با محوریت دکترین «عدم تغییر وضع موجود» و تمرکز بر جنگ‌های نامتقارن و قابلیت‌های واکنش سریع در خصوص تایوان به اهداف نظامی خود در رقابت با چین جامه عمل می‌پوشاند. به‌طور کلی تایوان نقشی محوری در مناسبات ژئوپلیتیک چین و ایالات متحده ایفا می‌کند. این جزیره نه تنها از منظر نظامی و اقتصادی اهمیت زیادی دارد بلکه به‌عنوان یک عنصر کلیدی در رقابت‌های ایدئولوژیک و استراتژیک بین دو کشور عمل می‌کند. ایالات متحده همچنان به حمایت از تایوان ادامه می‌دهد به‌ویژه در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی درحالی‌که چین تلاش دارد تا نفوذ خود را در تایوان افزایش دهد و این جزیره را به‌عنوان بخشی از سرزمین خود به‌طور قطعی تحت کنترل درآورد. این رقابت‌های پیچیده همچنان یکی از مسائل حیاتی در سیاست جهانی و روابط بین‌الملل باقی خواهد

ماند که تنها به حوزه ژئوپلیتیک محدود نیست بلکه حوزه ژئواکونومیک و رقابت دو ابرقدرت در این عرصه را نیز دربر می گیرد.

جدول ۱: افزایش توان نظامی جمهوری خلق چین

(در نگاهی تقابل آمیز نسبت به تایوان) از دهه ی ۱۹۹۰-۲۰۲۰.

سال	بودجه نظامی (میلیارد دلار آمریکا)	تعداد نیروهای مسلح (میلیون نفر)	تعداد کشتی های جنگی	تعداد هواپیماهای نظامی	تعداد تانک ها
1990	12.5	2.3	50	1500	4500
2000	25	2.3	250	1600	5500
2010	100	2.3	270	2900	7000
2020	261	2.0	350	4000	10000

(SIPRI Yearbook, 2023), (IISS, 2020), (CRS, 2020)

جدول ۲: مقایسه توان نظامی ایالات متحده آمریکا و چین در شرق آسیا از دهه ی ۱۹۹۰-۲۰۰۰

سال	کشور	بودجه نظامی (میلیارد دلار آمریکا)	تعداد کشتی های جنگی	تعداد هواپیماهای نظامی	تعداد تانک ها
۱۹۹۰	ایالات متحده	۲۹۶	۴۰۰	۸۰۰۰	۶۰۰۰
	چین	۱۲.۵	۵۰	۱۵۰۰	۴۵۰۰
۲۰۰۰	ایالات متحده	۳۵۶	۴۲۰	۸۵۰۰	۶۰۰۰
	چین	۲۵	۲۵۰	۱۶۰۰	۵۵۰۰
۲۰۱۰	ایالات متحده	۶۸۰	۴۵۰	۸۵۰۰	۷۰۰۰
	چین	۱۰۰	۲۷۰	۲۹۰۰	۷۰۰۰
۲۰۲۰	ایالات متحده	۷۳۲	۴۹۰	۹۲۰۰	۷۵۰۰
	چین	۲۶۱	۳۵۰	۴۰۰۰	۱۰۰۰۰

(SIPRI Yearbook, 2023), (IISS, 2020), (U.S. Department of Defense, 2020), (CRS, 2020)

۵. تایوان و مناسبات ژئواکونومیک بین چین و ایالات متحده

مسئله تایوان ازجمله موضوعات پیچیده و مهم در مناسبات ژئواکونومیک چین و ایالات متحده به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد است. تایوان به‌عنوان یک جزیره مهم در شرق آسیا، نه تنها از منظر سیاسی بلکه از دیدگاه اقتصادی و امنیتی نیز نقشی کلیدی در رقابت‌های بین این دو قدرت جهانی ایفا کرده است. در طول دهه‌های اخیر، تایوان به‌عنوان یک قطب اقتصادی پیشرفته به‌ویژه در صنایع فناوری و نیمه‌رساناها اهمیت زیادی یافته است. علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی آن و نزدیکی به تنگه تایوان که یکی از مسیرهای تجاری حیاتی جهان است نقش تایوان را در تحولات ژئواکونومیک منطقه‌ای و جهانی دوچندان کرده است. تایوان از منظر اقتصادی به‌ویژه در دهه‌های اخیر نقشی کلیدی در معادلات تجاری و تکنولوژیک ایفا کرده است. این جزیره به‌عنوان یک قطب صنعتی و تکنولوژیک در زمینه‌های مختلف مانند نیمه‌رساناها، فناوری اطلاعات و تولیدات پیشرفته شناخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی تایوان صنعت نیمه‌رساناها است که نقشی حیاتی در تأمین نیازهای صنایع مختلف در جهان، ازجمله صنایع نظامی و فناوری اطلاعات ایالات متحده دارد که در ادامه به تفصیل موردبررسی قرار گرفته است.

۵-۱. صنعت نیمه‌رساناها و وابستگی‌های جهانی به تایوان

صنعت نیمه‌رساناها یکی از ارکان اصلی در تولید و توسعه فناوری‌های نوین در سراسر جهان است. این صنعت با تولید تراشه‌هایی که در انواع دستگاه‌های الکترونیکی استفاده می‌شود نه تنها در صنعت ارتباطات و اطلاعات بلکه در بسیاری دیگر از بخش‌های صنعتی مانند خودروهای خودران، تجهیزات پزشکی و هوش مصنوعی نیز نقشی حیاتی دارد. تایوان به‌عنوان یکی از قطب‌های جهانی تولید تراشه‌های نیمه‌رسانا نقش برجسته‌ای در این زمینه ایفا می‌کند و به دلیل پیشرفت‌های عظیم در تکنولوژی و

ظرفیت تولید به یکی از کشورهای استراتژیک در این صنعت تبدیل شده است. وابستگی های جهانی به تایوان در تولید نیمه رساناها از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. صنعت نیمه رساناها در تایوان با تأسیس شرکت Taiwan Semiconductor Manufacturing Company (TSMC) در سال ۱۹۸۷ آغاز شد. این شرکت توانست در طول دهه ها با توسعه فناوری های پیشرفته تولید تراشه خود را به عنوان بزرگترین تولیدکننده نیمه رساناها در قراردادی در جهان معرفی کند. در حال حاضر TSMC بیش از ۵۰ درصد از سهم بازار جهانی تولید نیمه رساناها را به خود اختصاص داده است (Taiwan Semiconductor Manufacturing Company, 2023: 4). در سال های اخیر، تایوان با تولید تراشه های پیشرفته تر (مانند تراشه های ۳ نانومتری) به پیشرفت های عظیمی دست یافته است که آن را به پیشروترین کشور در عرصه تولید تراشه های پیشرفته تبدیل کرده است که موجب وابستگی جهانی به تایوان شده است که موضوعی حائز اهمیت است.

وابستگی جهانی به تایوان در صنعت نیمه رساناها به چندین دلیل اهمیت دارد. اولاً؛ کشورهایی که در عرصه فناوری های پیشرفته فعالیت دارند به ویژه ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی و کشورهای اروپایی بخش عمده ای از نیازهای خود به تراشه های پیشرفته را از تایوان تأمین می کنند. طبق گزارش ها تایوان بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت تولید جهانی تراشه های قراردادی را در اختیار دارد که این رقم نقش این کشور را در تأمین جهانی نیمه رساناها بسیار مهم می کند (Chine & Chen, 2022: 52). مهم ترین شرکت هایی که از تولیدات تایوانی بهره می برند شامل اپل، انویدیا، ای ام دی و کوالکام هستند. این شرکت ها تراشه های مورد نیاز خود را به طور عمده از TSMC خریداری می کنند به عنوان مثال، اپل برای تولید تراشه های A-series که در آیفون ها و سایر محصولات خود استفاده می کند به شدت به تایوان وابسته است (Lee, 2023: 113). دوم؛ وابستگی جهانی به تایوان به لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی تأثیرات عمیقی دارد از یک سو، تایوان به دلیل موقعیت منحصر به فرد خود در صنعت نیمه رساناها قادر است با

جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار متخصص رشد اقتصادی بالایی را تجربه کند. از سوی دیگر، این وابستگی به تایوان همچنین باعث شده که بسیاری از کشورها به‌ویژه ایالات متحده به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند و اقداماتی برای تقویت تأمین داخلی خود در این زمینه انجام دهند.

لذا در مقابل چالش‌های ژئوپلیتیکی، به‌ویژه تهدیدات چین نسبت به تایوان می‌تواند خطرات بزرگی برای زنجیره تأمین جهانی ایجاد کند. تایوان و چین روابط پیچیده‌ای دارند و چین به‌طور مرتب بر این موضوع تأکید می‌کند که تایوان جزئی از سرزمین اصلی چین است. این تهدیدات سیاسی می‌تواند به اختلالات گسترده‌ای در تولید و عرضه نیمه‌رساناها منجر شود و بر صنایع حساس مانند خودروسازی، تلفن‌های هوشمند و کامپیوتر تأثیر بگذارد (Taiwan Semiconductor Manufacturing Company, 2023: 7). در پاسخ به وابستگی شدید به تایوان بسیاری از کشورها در تلاش‌اند تا ظرفیت‌های تولید نیمه‌رساناهای خود را در داخل کشورشان افزایش دهند. در این خصوص می‌توان ایالات متحده را مثال زد که در تلاش است تا پروژه‌هایی نظیر CHIPS Act را اجرایی کند که هدف آن توسعه تولید نیمه‌رساناها در داخل ایالات متحده است. اتحادیه اروپا نیز طرح‌هایی مشابه را برای توسعه زیرساخت‌های نیمه‌رسانا در کشورهای خود مطرح کرده است (Lee, 2023: 115). این تلاش‌ها از آن‌جهت اهمیت دارند که اگر بحران‌های سیاسی یا طبیعی به اختلال در تولید در تایوان منجر شود این کشورها باید ظرفیت تولید داخلی خود را افزایش دهند تا وابستگی به تایوان کاهش یابد اما این فرآیند به زمان زیادی نیاز دارد و نمی‌توان به سرعت ظرفیت‌های لازم را جایگزین کرد.

جدول ۳: افزایش تولیدات صنعت نیمه‌رسانای تایوان.

سال	ظرفیت تولید نیمه‌رسانا (میلیارد دلار)	سهم جهانی از تولید نیمه‌رسانا	میزان صادرات (میلیارد دلار)	فناوری‌های کلیدی (دقت نانومتر)
1990	1.5B	5%	0.5B	۱ میکرون
2000	5B	10%	2B	۰.۲۵ میکرون
2010	25B	20%	15B	۴۵ نانومتر
2020	100B	30%	80B	۷ نانومتر

(IDC, 2019), (TSMC Annual Reports, 2019) (WSTS, 2020), (TSMC Annual Reports, 2020), (TSMC Annual Reports, 2024)

۲-۵. روابط اقتصادی چین و تایوان

روابط اقتصادی و تجاری میان جمهوری خلق چین و تایوان به دلیل ماهیت سیاسی و تاریخی پیچیده‌ای که دارند یکی از چالش‌برانگیزترین و درعین‌حال مهم‌ترین مسائل اقتصادی و سیاسی در آسیا به شمار می‌رود. از یک‌سو، چین تایوان را بخشی از خاک خود می‌داند و به دنبال بازگشت تایوان به سرزمین اصلی است و از سوی دیگر، تایوان خود را یک کشور مستقل می‌داند که سیستم اقتصادی و سیاسی خود را دارد این وضعیت سیاسی بر روابط تجاری و اقتصادی میان دو طرف تأثیرات زیادی گذاشته است. علی‌رغم این تفاوت‌ها، روابط تجاری بین چین و تایوان همچنان قوی و در حال گسترش است، روابط تجاری و اقتصادی بین چین و تایوان به دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد. زمانی که چین شروع به اجرای سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و درهای باز کرد این سیاست‌ها به‌طور عمده باعث افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی میان چین و تایوان شدند به‌ویژه در صنایع تولیدی و تکنولوژی با اینکه روابط رسمی سیاسی بین دو طرف وجود ندارد ولی در سطح اقتصادی این دو منطقه به‌شدت به یکدیگر وابسته هستند. قبل از این زمان، روابط اقتصادی به دلیل اختلافات سیاسی و جنگ داخلی چین محدود بود اما پس از آغاز سیاست‌های اصلاحات اقتصادی در چین، این روابط در زمینه‌های

مختلف تجاری و صنعتی آغاز شد. تایوان به عنوان یک اقتصاد پیشرفته در آسیا و چین با جمعیت بزرگ خود هر دو در زمینه های مختلف اقتصادی مکمل یکدیگر بودند.

۲-۵-۱. ابعاد تجاری روابط چین و تایوان

- مبادلات تجاری دو طرف: چین و تایوان یکی از بزرگترین شرکای تجاری یکدیگر هستند. در واقع، چین بزرگترین شریک تجاری تایوان به شمار می آید تایوان عمدتاً محصولات الکترونیکی، ماشین آلات، تراشه های نیمه هادی و کالاهای صنعتی به چین صادر می کند. در مقابل، چین کالاهای مصرفی، ماشین آلات، مواد اولیه و برخی محصولات صنعتی به تایوان صادر می کند لذا در سال های اخیر، تجارت میان چین و تایوان به طور پیوسته در حال رشد بوده و تایوان توانسته است با استفاده از منابع انسانی و نیروی کار ماهر خود به یکی از تولیدکنندگان برجسته محصولات فناوری و الکترونیک در جهان تبدیل شود.

- صادرات تایوان به چین: یکی از مهم ترین بخش های صادرات تایوان به چین، نیمه هادی ها و تراشه های الکترونیکی هستند. شرکت های تایوانی به ویژه TSMC (شرکت تولیدکننده نیمه هادی تایوان) در حال حاضر در زمینه تولید تراشه های پیشرفته و تأمین نیازهای صنعت فناوری جهانی نقش کلیدی دارند. این تراشه ها در تولید دستگاه های الکترونیکی، تلفن های همراه، رایانه ها و سایر دستگاه های دیجیتال استفاده می شوند. در سال ۲۰۲۲، حدود ۴۲ درصد از کل صادرات تایوان به چین مربوط به محصولات نیمه هادی بود که این رقم نشان دهنده وابستگی بالای تایوان به چین در زمینه تجارت این محصولات است (Huang, 2016: 24).

صادرات چین به تایوان: چین همچنین به تایوان محصولات مختلفی از جمله ماشین آلات، تجهیزات صنعتی، مواد خام و کالاهای مصرفی صادر می کند. این صادرات بیشتر در صنایع تولیدی تایوان مورد استفاده قرار می گیرد و بخش زیادی از تولیدات

تایوان وابسته به واردات چینی‌هاست. مواد خام، به‌ویژه در صنایع فولاد و پلاستیک ازجمله کالاهایی هستند که چین به تایوان صادر می‌کند، تایوان همچنین برای تولید محصولات خود به قطعات و تجهیزات تولیدی وارداتی از چین نیاز دارد.

جدول ۴: واردات و صادرات متقابل چین و تایوان از دهه ی ۱۹۹۰ - ۲۰۲۰.

سال	صادرات چین به تایوان (میلیارد دلار آمریکا)	واردات چین از تایوان (میلیارد دلار آمریکا)	مجموع تجارت دوجانبه (میلیارد دلار آمریکا)
۱۹۹۰	۰.۷	۰.۵	۱.۲
۲۰۰۰	۱۴.۲	۱۲.۵	۲۶.۷
۲۰۱۰	۴۳.۱	۴۱.۴	۸۴.۵
۲۰۲۰	۱۴۹.۱	۵۸.۲	۲۰۷.۳

(UNCTAD, 2023), (Taiwan Ministry of Finance, 2023), (SIPRI Yearbook, (World Bank, 2023), 2023)

۲-۵-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) میان چین و تایوان یکی از زمینه‌های مهم دیگری است که روابط اقتصادی دو طرف را تقویت کرده است. شرکت‌های تایوانی در چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی در صنایع مختلف مانند الکترونیک، خودروسازی و تولیدات صنعتی انجام داده‌اند. همین‌طور، بسیاری از شرکت‌های چینی در تایوان به سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند به‌ویژه در زمینه‌های فناوری اطلاعات و محصولات دیجیتال.

سرمایه‌گذاری تایوان در چین: در چند دهه اخیر، شرکت‌های تایوانی به دلیل نیروی کار ارزان و بازار بزرگ چین، سرمایه‌گذاری‌های زیادی در چین انجام داده‌اند. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در صنایع تولیدی، الکترونیک و خودرو است. این فرآیند سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها در چین به‌طور قابل‌توجهی به رشد اقتصادی چین کمک کرده

است به‌ویژه در صنعت نیمه‌هادی، چین به‌عنوان مقصد اصلی سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها شناخته می‌شود (Chang, 2021: 101).

سرمایه‌گذاری چین در تایوان: چین نیز در تایوان سرمایه‌گذاری کرده است. بااین‌حال، به دلیل نگرانی‌های امنیتی و سیاسی میزان سرمایه‌گذاری چین در تایوان محدودتر از سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها در چین است. شرکت‌های چینی در تایوان به‌ویژه در حوزه‌های فناوری و تولیدات صنعتی به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری هستند (Wang, 2022: 78).

جدول ۵: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متقابل چین و تایوان از دهه ۱۹۹۰-۲۰۲۰.

سال	FDI چین در تایوان (میلیون دلار)	FDI تایوان در چین (میلیون دلار)
1990	250	750
2000	1,100	1,600
2010	2,100	2,600
2020	2,200	2,700

(UNCTAD, 2023)

درحالی‌که روابط اقتصادی چین و تایوان به شدت در حال رشد است تنش‌های سیاسی میان دو طرف همواره بر این روابط تأثیر گذاشته است. چین همواره تلاش کرده است تا با استفاده از ابزارهای اقتصادی و تجاری فشارهایی بر تایوان وارد کند. در مقابل، تایوان تلاش کرده است که وابستگی اقتصادی خود به چین را کاهش دهد و به دنبال روابط تجاری و اقتصادی با دیگر کشورها به‌ویژه ایالات متحده و کشورهای آسیای جنوب شرقی باشد. وابستگی شدید تایوان به چین در زمینه‌های مختلف تجاری و اقتصادی می‌تواند در شرایط بحران‌های جهانی یا تغییرات سیاست‌های چین تهدیدی

برای اقتصاد تایوان باشد و با توجه به این وابستگی ها هرگونه بحران اقتصادی یا سیاسی می تواند تأثیرات جدی بر اقتصاد تایوان بگذارد.

۳-۵. روابط اقتصادی تایوان و ایالات متحده

روابط اقتصادی و تجاری میان ایالات متحده آمریکا و تایوان از دیرباز تحت تأثیر تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی قرار گرفته است. درحالی که تایوان از نظر سیاسی تحت فشارهای مختلف به ویژه از جانب جمهوری خلق چین قرار دارد با این حال این کشور همواره به عنوان یک شریک تجاری مهم برای ایالات متحده شناخته شده است. روابط میان این دو کشور علاوه بر ابعاد اقتصادی، جنبه های استراتژیک و امنیتی را نیز در برمی گیرد، روابط تجاری تایوان و ایالات متحده به ویژه پس از جنگ سرد به شدت گسترش یافته است. ایالات متحده به عنوان دومین شریک تجاری تایوان، بخش عمده ای از صادرات تایوان را به خود اختصاص داده است که شامل محصولات الکترونیکی، ماشین آلات و محصولات پتروشیمی است از سوی دیگر، تایوان به عنوان یکی از واردکنندگان اصلی فناوری ها و مواد اولیه از ایالات متحده نیز شناخته می شود (Hsu, 2019: 121). این روابط تجاری نه تنها به افزایش وابستگی اقتصادی دو طرف منجر شده است بلکه تایوان را به یکی از ارکان مهم در روابط اقتصادی چین و ایالات متحده تبدیل کرده است؛ که در ادامه روابط تجاری میان تایوان و ایالات متحده به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۵-۱. ابعاد روابط تجاری میان تایوان و ایالات متحده

یکی از ارکان اصلی روابط تجاری میان آمریکا و تایوان تجارت کالا است. این دو کشور با یکدیگر حجم بالای تجاری دارند که عمدتاً شامل محصولات الکترونیکی و فناوری های پیشرفته است تایوان به عنوان یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان و

صادرکنندگان نیمه‌هادی‌ها و قطعات الکترونیکی بسیاری از محصولات خود را به ایالات متحده صادر می‌کند که در ادامه تشریح گشته است.

- صادرات تایوان به ایالات متحده: تایوان به‌طور عمده کالاهایی مانند نیمه‌هادی‌ها، قطعات الکترونیکی، کامپیوترها و تجهیزات ارتباطی به ایالات متحده صادر می‌کند. طبق داده‌های موجود بیش از ۴۰ درصد از صادرات تایوان به آمریکا را نیمه‌هادی‌ها تشکیل می‌دهند (US-Taiwan Business Council, 2023: 12). این تراشه‌ها در صنایع مختلف از جمله فناوری اطلاعات، خودروهای هوشمند و صنایع دفاعی در ایالات متحده استفاده می‌شوند. علاوه بر نیمه‌هادی‌ها، دستگاه‌های الکترونیکی و ماشین‌آلات نیز بخش عمده صادرات تایوان به آمریکا را تشکیل می‌دهند.

- صادرات آمریکا به تایوان: در مقابل، ایالات متحده کالاهایی مانند نفت خام، محصولات شیمیایی، ماشین‌آلات و محصولات کشاورزی به تایوان صادر می‌کند. محصولات کشاورزی ایالات متحده، به‌ویژه ذرت، سویا و گوشت گاو، یکی از بخش‌های مهم صادراتی ایالات متحده به تایوان هستند (U.S. Census Bureau, 2023: 8). علاوه بر این آمریکا به تایوان تجهیزات حمل‌ونقل، ماشین‌آلات صنعتی و محصولات دارویی نیز صادر می‌کند.

جدول ۶: واردات و صادرات متقابل آمریکا و تایوان از دهه ی ۱۹۹۰-۲۰۲۰.

سال	صادرات آمریکا به تایوان (میلیارد دلار آمریکا)	واردات آمریکا از تایوان (میلیارد دلار آمریکا)	مجموع تجارت دوجانبه (میلیارد دلار آمریکا)
۱۹۹۰	۳.۶	۴.۱	۷.۷
۲۰۰۰	۱۳.۲	۱۹.۷	۳۲.۹
۲۰۱۰	۲۲.۹	۲۷.۸	۵۰.۷
۲۰۲۰	۳۳.۴	۶۰.۳	۹۳.۷

(World Bank, 2023), (UNCTAD, 2023), (U.S. Census Bureau, 2023),
(Taiwan Ministry of Finance, 2023)

۳-۵-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

یکی از جنبه‌های کلیدی روابط اقتصادی بین ایالات متحده و تایوان، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) ایالات متحده به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در تایوان شناخته می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در زمینه‌های تکنولوژی، نیمه‌هادی‌ها، خدمات مالی و حمل‌ونقل انجام می‌شود.

- سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده در تایوان: شرکت‌های آمریکایی در تایوان در زمینه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، نیمه‌هادی‌ها و سایر صنایع پیشرفته فعالیت دارند. به‌ویژه شرکت‌های بزرگی مانند اینتل و کوالکام در تایوان مراکز تحقیق و توسعه دارند و در صنعت تولید نیمه‌هادی‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در سال ۲۰۲۳ سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ایالات متحده در تایوان حدود ۲۴ میلیارد دلار برآورد شده است (Taiwan Economic Research Institute, 2023: 24).

- سرمایه‌گذاری تایوان در ایالات متحده: تایوان نیز سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی در ایالات متحده انجام داده است. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در زمینه‌های فناوری و املاک است. شرکت‌های تایوانی مانند TSMC (شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان) بزرگ‌ترین تولیدکننده تراشه‌های جهان در ایالات متحده کارخانه‌های تولیدی گسترده‌ای دارند به‌ویژه تایوان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی ایالات متحده شناخته می‌شود.

با وجود روابط گسترده تجاری میان دو کشور یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های روابط تجاری میان ایالات متحده و تایوان فشارهای سیاسی چین است. چین به دلیل ادعای حاکمیت بر تایوان همواره در تلاش است تا روابط تجاری بین تایوان و کشورهای دیگر به‌ویژه ایالات متحده را محدود کند. این فشارها می‌تواند بر روابط تجاری و سرمایه‌گذاری‌های میان دو کشور تأثیرگذار باشد به‌عنوان مثال؛ چین همواره در حال اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی برای محدود کردن همکاری‌های تجاری تایوان با کشورهای دیگر است.

جدول ۷: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متقابل ایالات متحده آمریکا

و تایوان از دهه ۱۹۹۰-۲۰۲۰.

سال	FDI تایوان در ایالات متحده (میلیون دلار)	FDI ایالات متحده در تایوان (میلیون دلار)
1990	650	۹۵۰
2000	1,200	1,450
2010	2,000	1,950
2020	2,100	2,000

(UNCTAD, 2023)

فرجام سخن

تایوان از آغاز انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ در چین تاکنون با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود نقش حیاتی در مناسبات بین قدرت‌های بزرگ داشته است. این کشور به‌ویژه از جنگ سرد به بعد محور رقابت‌های دوجانبه ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین بوده است. از منظر ژئوپلیتیکی، تایوان به‌عنوان یک نقطه استراتژیک در غرب اقیانوس آرام و در مسیر جاده‌های تجاری مهم نقشی حیاتی در معادلات امنیتی منطقه‌ای ایفا می‌کند؛ افزون بر این تایوان در حوزه ژئوپلیتیک نقش حیاتی در سیاست «آسیای آزاد و باز» ایالات متحده و استراتژی‌های نظامی مابین چین و ایالات متحده را بر عهده دارد که بازه زمانی چهار دهه را در برمی‌گیرد. در عین حال از نظر ژئواکونومیک، تایوان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های پیشرفته به شدت در اقتصاد جهانی و به‌ویژه در زنجیره‌های تأمین فناوری‌های نوین وابسته به این کشور قرار دارد. همچنین مبادلات اقتصادی تایوان با دو کشور مذکور در حوزه واردات و صادرات کالا، فناوری‌های نوین و به‌ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار حائز اهمیت است. به‌طورکلی با توجه به نقش این

کشور از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در مناسبات بین ایالات متحده امریکا و جمهوری خلق چین، سیاست‌های این دو کشور در قبال تایوان شامل؛ تأمین منافع امنیتی و به‌طورجدی تحت تأثیر رقابت‌های اقتصادی، فناوری و نظامی است. رقابت‌های چین و ایالات متحده در بستر جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تایوان اگرچه تا حد قابل ملاحظه‌ای به اهداف این دو کشور جامه عمل پوشانده است؛ لذا چالش‌ها و انتقادهایی را برای دو کشور در پی دارد از آنجایی که ایالات متحده بیش از حد بر استراتژی مهار چین متمرکز شده است موجب وابستگی بیش از حد خود به فناوری‌های نیمه‌هادی تایوان گشته است و استراتژی مبهم و دوگانه این کشور که از طرفی «چین واحد» را به رسمیت می‌شناسد و با تأمین کمک‌های نظامی به تایوان و حمایت از آن در برابر تهدیدات چین، در عمل از استقلال تایوان حمایت می‌کند باعث ایجاد ابهام در روابط با چین و ممکن است خطرات امنیتی بیشتری برای تایوان و منطقه به همراه داشته باشد. چین نیز به دلیل سیاست‌های سرکوبگرانه و تهدیدات نظامی نسبت به تایوان و همچنین در مواردی عدم توجه به تغییرات منطقه‌ای و جهانی بر سیاست‌های خود در قبال تایوان پافشاری می‌کند که ممکن است در برخی مواقع ناتوان از درک تغییرات دموکراتیک و اجتماعی در تایوان باشد؛ زیرا تایوان اکنون به یک جامعه دموکراتیک و مستقل تبدیل شده است که نگرش‌های متفاوتی نسبت به ارتباط با چین دارد. فشارهای چین برای بازگرداندن تایوان به حاکمیت خود، بدون در نظر گرفتن این واقعیت‌ها ممکن است به بی‌اعتمادی و مقاومت بیشتر در تایوان منجر شود و باعث پیچیدگی‌های بیشتر در روابط چین با کشورهای غربی شود.

References

- زارعی بهادر، سید مهدی موسوی شهیدی و مسعود مصدق (۱۴۰۲). تایوان میانه دو تعارض؛ موفقیت ژئواکونومیکی و چالش ژئوپلیتیکی، *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۸(۳)، ۶۲-۱۹.
- Barton, G. (1997). *The Taiwan Crisis and the U.S.-China Relationship*, Westview Press.

- Bit zinger, R. A. (2020). *The Chinese Military: New Emerging Threats and Capabilities*, Routledge.
- Breslin, S. (2011). *China's Geopolitics: The International Context of China's Rise*, Routledge.
- Brown, A., & Shirk, S. (2021). Economic Dependencies and Strategic Risks: Taiwan in the Context of US-China Relations. *Global Policy*, 12(4), 33-45. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12932>.
- Brzezinski, Z. (1997). *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives* Basic Books.
- Bush, R. C. (2005). *At Cross Purposes: U.S.-China Relations and the Taiwan Issue*, Brookings Institution Press.
- Caldor, G. (2003). *The Globalization of the World Economy*, Oxford University Press.
- Chang, K. (2021). *FDI and Economic Growth in Cross-Strait Relations*, *East Asian Economic Review*, 18(2). 98-115.
- Chen, J. (2011). *Taiwan's Political Development: A Historical Perspective*, Stanford University Press.
- Chine, S., & Chen, W. (2022). The Global Semiconductor Supply Chain and Taiwan's Role, *Global Technology Review*, 19(2), 45-67.
- Clinton, H. (2011). America's Pacific Century, *Foreign Policy*, 90(5), 72-82.
- Cohen, S. (1997). *Taiwan and the China Crisis: The Changing Role of the United States*, Harvard University Press.
- Congressional Research Service (CRS). Congressional Research Service, U.S. Government, Available at: <https://crsreports.congress.gov>.
- Connors, M., & Li, X. (2022). Taiwan's Geoeconomics Strategies Amid Growing Geopolitical Tensions, *International Security Review*, 47(1), 77-101 <https://doi.org/10.1080/01622889.2022.2051824>.
- Economy, E. C., & Bush, R. C. (2023). The Impact of Geopolitical Competition on Taiwan's Economic Policies, *Asia Policy*, 19(2), 25-50 <https://doi.org/10.1353/asp.2023.0003>.
- Glaser, C. L. (2015). *The China Threat: Perceptions, Myths, and Reality*, Pearson Education.
- Haggard, S., & Kaufman, R. R. (1995). *The Political Economy of Democratic Transitions*, Princeton University Press.
- Hsieh, K. (2009). *A History of Taiwan*, Cambridge University Press.
- Huang, Y. (2016). Economic Integration Across the Taiwan Strait, *Asia Pacific Review*, 23(2), 21-36.
- International Data Corporation (IDC).

- Johnson, C. (1994). *China's International Relations and Foreign Policy: A Guide to*.
- Kaplan, R. D. (2010). *The Revenge of Geography: What the Map Tells Us About Coming Conflicts and the Battle Against Fate*, Random House.
- Koh, T. (2020). The Free and Open Indo-Pacific: A U.S. Strategy to Secure Asia and the Pacific, *Asian Affairs Review*, 31(2), 29-40.
- Lampson, D. M. (1992). *China's Foreign Relations in the Post-Cold War World*, University of California Press.
- Lee, H. (2023). *Semiconductor Industry: Taiwan's Dominance in Global Supply Chains*, *Journal of Advanced Technology*, 34(5), 113-116.
- Liu, K. (2003). *Taiwan: A New History*. M.E. Sharpe.
- Mackinder, H. J. (1904). *The Geographical Pivot of History*, *The Geographical Journal*, 23(4), 421-437.
- Military Balance (2020). International Institute for Strategic Studies, Available at: <https://www.iiss.org/publications/the-military-balance>.
- Roy, D. (2003). *Taiwan: A Political History*, Cornell University Press.
- SIPRI Yearbook (2023), Stockholm International Peace Research Institute, Available at: <https://www.sipri.org/yearbook>.
- Sutter, R. & Lai, S. (2020). Taiwan's Strategic Importance: Geopolitical and Economic Dimensions, *Journal of Asian Studies*, 79(3), 557-575. <https://doi.org/10.1017/S002191182000013x>.
- Spielman, N. (1944). *The Geography of Peace*, Harcourt, Brace and Company, pp. 133-135.
- Stokes, D. (2001). *China's Strategic Modernization: Implications for the United States*, Oxford University Press.
- Sutter, R. G. (2017). *China's Rise in Asia: Promises and Perils*, Rowman & Littlefield.
- Swaine, M. D. (2006). *The China-Taiwan Military Balance: A Resource Guide*, Carnegie Endowment for International Peace.
- Taiwan Economic Research Institute. (2023). Foreign Investment Trends in Taiwan, Retrieved from <https://www.teri.org.tw>.
- Taiwan Ministry of Finance, Trade Statistics of Taiwan, Available at: <https://www.mof.gov.tw/Eng>.
- Taiwan Semiconductor Manufacturing Company (TSMC). (2023), *Annual Report*. TSMC.
- Theory and Practice, HarperCollins.
- TSMC Annual Reports Company.
- U.S. Census Bureau - Foreign Trade Statistics, Available at: <https://www.census.gov/foreign-trade/data/index.html>.

- U.S. Census Bureau. (2023). Trade Statistics: Taiwan. Retrieved from <https://www.census.gov>.
- U.S. Department of Defense, Annual Report to Congress on China, Available at: <https://www.defense.gov>.
- UNCTAD - International Trade in Goods and Services, Available at: <https://unctad.org/topic/trade-statistics>.
- UNCTAD. (2020). *World Investment Report 2023: International Production Beyond the Pandemic*. United Nations Conference on Trade and Development. http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2020_en.pdf.
- US-Taiwan Business Council. (2023). Taiwan Trade Overview. Retrieved from <https://www.us-taiwan.org>.
- Wang, C. (2022). Political Tensions and Economic Interdependence: The Case of Taiwan and China, *Asian Economic Policy Review*, 21(3), 67-80.
- World Bank - International Trade Statistics, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/NE.EXP.GNFS.ZS>.
- World Semiconductor Trade Statistics (WSTS).
- Yee, K. (2021). U.S. Defense Strategy and the Pacific Pivot, *Strategic Studies Quarterly*, 15(3), 91-104.
- Zari Baha or, S. M., Mousavi Shahidi, S., & Mosaddegh, M. (2023). Taiwan Between Two Conflicts: Geoeconomics Success and Geopolitical Challenge, *Journal of Political Geography Research*, 8(3). [in Persian]
- Zhao, S. (2011). *China's Relations with the World: Historical Trends and New Perspectives*, Cambridge University Press.